

# فلسفہ حقوق

مختصر و مفید

ریموند وکس

ترجمہ:

دکتر باقر انصاری

عضویت علمی دانشگاه شهید بهشتی

مسلم آقایی طوق

انتشارات مودرز

سرشناسه

Wacks, Raymond م. ریموند، ۱۹۴۶-م.

عنوان و نام پدیدآور

: فلسفه حقوق: مختصر و مفید/ ریموند وکس: ترجمه باقر انصاری، مسلم آقایی طوق

مشخصات نشر

: تهران: جاودانه، جنگل ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری

: ۱۶۰ ص.

شابک

: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۱-۷۵-۱

وضعیت فهرست‌نویسی

: فیپا

یادداشت

: عنوان اصلی: Philosophy of law: a very short introduction, 2006

یادداشت

: کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان "فلسفه‌ی حقوق از حقوق تطبیقی تا

پسامدرنیسم" با ترجمه فاطمه آبیاری در سال ۸۸ توسط رخ‌دادنو منتشر شده

است.

یادداشت

: کتابنامه.

عنوان دیگر

: فلسفه حقوق از حقوق طبیعی تا پسامدرنیسم

موضوع

: حقوق - فلسفه.

شناسه افزوده

: انصاری، باقر، ۱۳۵۲-، مترجم.

شناسه افزوده

: آقایی طوق، مسلم، ۱۳۶۱-، مترجم.

رده‌بندی کنگره

: ۱۲۸۹ ف۸/و۸۲۲۰

رده‌بندی دیویی

: ۳۴۰/۱

شماره کتابشناسی ملی

: ۲۰۴۸۱۱۲

چاپ ۵۵

عنوان کتاب: فلسفه حقوق (مختصر و مفید)

ترجمه: دکتر باقر انصاری، مسلم آقایی طوق

ناشر: انتشارات جاودانه، جنگل

ناظر فنی: امین لشکری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۹

قطع و تیراژ: وزیری، ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

چاپ: شرکت زیتون چاپ بهاران

صحافی: جنگل

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۱-۷۵-۱

[http:// www.JunglePub.org](http://www.JunglePub.org)

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۵۲۷۵-۶۶۴۸۲۸۳۰

[email:// Info@JunglePub.org](mailto:Info@JunglePub.org)

۰۳۱۱-۳۲۰۵۰۶۷-۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

## پیگمتر مترجم

فلسفه حقوق از جمله موضوعاتی است که در سال‌های اخیر مورد توجه و استقبال جامعه حقوقی واقع شده است. با آنکه درسی به همین نام در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در گرایش‌های مختلف حقوق پیش بینی شده است اما جز در چند سال اخیر، کرسی این درس در دانشکده‌های حقوق دایر نبوده است. یکی از عوامل توجه به این موضوع در سال‌های اخیر را می‌توان تألیف، ترجمه و معرفی آثار و موضوعات فلسفی حقوق به دست برخی استادان و محققان حقوقی دانست که دانشجویان حقوق را به موضوعات فلسفی علاقمند و حساس کرده است. عامل دیگر، ظهور رویکرد نقادی در آموزش‌های حقوقی است که به روی آوردن استادان و دانشجویان حقوق به سمت مباحث نظری و مبنایی حقوق از جمله مسائل فلسفی حقوق منجر شده است.

تاکنون، کتاب‌های مختلفی در زمینه فلسفه حقوق به فارسی تألیف یا ترجمه شده است. در میان آثار تألیفی می‌توان به کتاب «مبانی حقوق» از دکتر موسی جوان و کتاب «فلسفه حقوق» از دکتر ناصر کاتوزیان اشاره کرد.

از میان کتاب‌های ترجمه شده نیز می‌توان به «فلسفه حقوق» از ژرژ دل و کیو،<sup>۱</sup> «فلسفه حقوق» از مارک تبیت،<sup>۲</sup> «درآمدی بر فلسفه حقوق» از اندرو ال‌تمن،<sup>۳</sup> «فلسفه حقوق» از نیکوس پولانزاس،<sup>۴</sup> «فلسفه حقوق» از میشل تروپه<sup>۵</sup> و «فلسفه حقوق؛ مبانی و کارکردها» از

۱. دل و کیو، ژرژ (۱۳۸۶)، فلسفه حقوق، ترجمه جواد واحدی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

۲. تبیت، مارک (۱۳۸۴)، فلسفه حقوق، ترجمه حسن رضایی خاوری، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۳. ال‌تمن، اندرو (۱۳۸۵)، درآمدی بر فلسفه حقوق، ترجمه بهروز جندقی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۴. پولانزاس، نیکوس (۱۳۸۶)، فلسفه حقوق، ترجمه نجادعلی الماسی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

۵. تروپه، میشل (۱۳۸۶)، فلسفه حقوق، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران: نشر آگه.

توماس موراوتز،<sup>۱</sup> اشاره کرد.

همه این کتاب‌ها برای علاقمندان به مطالعات فلسفی حقوق قابل استفاده هستند. با وجود این، کتاب‌های مذکور ویژگی‌های کتاب درسی را بویژه برای مقطع کارشناسی ندارند. برخی از آنها قدیمی هستند و به مسائل جدید فلسفه حقوق اشاره نکرده اند، برخی مفصل و حجیم هستند و مطالعه آنها خارج از حوصله دانشجویان است، برخی حاوی مباحث مفصلی درباره موضوعات نظام حقوقی کامن‌لو هستند که آموزش آنها برای دانشجویان حقوق ما، چندان ضرورت ندارد و نهایتاً آنکه برخی نیز به صورت گزینشی صرفاً بعضی از مسائل فلسفه حقوق را مطرح کرده‌اند. خلاصه کلام آنکه هیچکدام، مختصر و مفید نیستند.

کتابی که ترجمه آن در اختیار شما قرار دارد، کتابی است بسیار مختصر و مفید. این کتاب را ریموند وکس<sup>۲</sup> استاد بازنشسته فلسفه حقوق و رئیس اسبق دانشکده حقوق (۱۹۹۳-۱۹۸۶) دانشگاه هنگ کنگ به سفارش دانشگاه آکسفورد تهیه کرده است. دانشگاه مذکور، در حال انتشار مجموعه‌ای از کتاب‌های مختصر و مفید در موضوعات مختلف است که هر کدام، مدخلی برای مطالعات مفصل درباره یک موضوع هستند. این کتاب‌ها به دست استادان مشهور و برجسته تهیه می‌شوند.

کتاب حاضر نخستین بار در سال ۲۰۰۶ چاپ شده و تاکنون به زبان‌های مختلفی از جمله، یونانی، چینی، ژاپنی و گرجی ترجمه شده است. این کتاب در واقع، خلاصه‌ای است از کتاب مفصل وکس با عنوان «فهم فلسفه حقوق: مقدمه‌ای بر نظریه حقوقی»<sup>۳</sup> که دانشگاه آکسفورد آنرا در سال ۲۰۰۵ منتشر کرده است.

این کتاب مزیت‌های گوناگونی نسبت به سایر کتاب‌های فلسفه حقوق دارد که به برخی از این مزیت‌ها اشاره می‌شود:

۱. موراوتز، توماس (۱۳۸۷). فلسفه حقوق: مبانی و کارکردها. ترجمه بهروز جندقی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

2. Raymond Wacks

3. Wacks R. (2005). *Understanding Jurisprudence: An Introduction to Legal Theory*, Oxford University Press.

۱. تقریباً به تمامی مسائل مهمی که در فلسفه حقوق مطرح است، اشاره کرده و با معرفی کتاب‌های متناسب با موضوع هر فصل، این امکان را به دانشجو می‌دهد که مسائل مورد علاقه خود را از طریق مطالعه منابع پیشنهادی، پیگیری کند. وکس، مسائل مهم فلسفه حقوق را در شش فصل خلاصه کرده است: حقوق طبیعی (هابز، لاک، روسو، فینیس و فولر)، اثبات‌گرایی حقوقی (هارت، بنتام، اوستین، کلسن و رز)، حقوق به مثابه تفسیر (دورکین)، حقوق بنیادین و عدالت (هوفلد، پانسر و رالز)، حقوق و جامعه (دورکیم، وبر، مارکس، هابرماس و فوکو) و نظریه انتقادی حقوق (مطالعات انتقادی حقوق، آنگر، لاکان، دریدا، نظریه حقوقی فمینیستی و نظریه انتقادی نژادی). بدین ترتیب، می‌توان گفت نویسنده به خوبی توانسته است در کتابی کم حجم، به این موضوعات مختلف بپردازد.

۲. حجم کم کتاب برای تدریس درس فلسفه حقوق در دوره کارشناسی بسیار مناسب است. متناسب با این حجم کم، نویسنده از ورود به جزئیات مسائل خودداری کرده است که این خود، مزیتی دیگر به شمار می‌رود.

۳. مزیت دیگر این کتاب آن است که دانشجو می‌تواند برای مطالعه بیشتر در خصوص مباحث مطرح در کتاب، به کتاب مفصل نویسنده با عنوان «فهم فلسفه حقوق: مقدمه‌ای بر نظریه حقوقی» رجوع کند.

۴. تاریخ انتشار کتاب (۲۰۰۶)، جدید است و به همین خاطر با توجه به آخرین تحولات در زمینه مباحث فلسفه حقوق نگاشته شده است. هیچکدام از کتاب‌های فلسفه حقوق که هم‌اینک به زبان فارسی ترجمه شده است، به جز کتاب تروپه که در سال ۲۰۰۵ منتشر شده است، چنین خصوصیتی ندارند.

۵. در این کتاب برخلاف سایر کتاب‌های ترجمه شده، تقریباً توجه یکسانی به موضوعات گوناگون شده و صفحات اختصاص یافته به هر کدام از فصول متناسب با سایر فصول و کل حجم کتاب است.

دشواری امر ترجمه بویژه ترجمه آثار فلسفی حقوق بر اهل فن پوشیده نیست. در ترجمه این کتاب نیز مسائل و ابهامات مختلفی فراروی مترجمان وجود داشته است که با مراجعه به آثار ترجمه شده به دست مترجمان طراز اول کشور و فرهنگ‌های تخصصی و تفحص و سواسانه در آنها، سعی شده است پاسخ مناسبی برای آنها پیدا شود. با این حال، باید اذعان نمود که متن نهایی عاری از ایراد نیست. از این رو، پیشنهادها، نقدها و ایرادهای صاحب نظران را به دیده منت می‌پذیریم تا آنها را در چاپ‌های بعدی مورد توجه قرار دهیم. علاقمندان می‌توانند نظرات خود را به آدرس [h\\_ansari@sbu.ac.ir](mailto:h_ansari@sbu.ac.ir) ارسال کنند.

باقر انصاری

مسلم آقایی طوق

ایجاز، فضیلتی است که قوانین معمولاً با آن بیگانه هستند، چه رسد به حقوقدانان. ادبیات حقوقی نیز لاجرم پیچیده و حجیم است. کتاب‌های حقوقی سنگین هستند و مجلدات مربوط به فلسفه حقوق روز به روز، ضخیم‌تر و حجیم‌تر می‌شوند. شاید این یک عیب غیرقابل اجتناب باشد. در واقع، کتاب درسی اخیر خود من با عنوان *فلسفه حقوق: مقدمه‌ای بر نظریه حقوقی* (انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۰۵) حدود یک پوند و نیم یعنی ۶۰۰ گرم وزن و ۴۰۰ صفحه حجم دارد.

با این حال، این مجموعه، نویسندگان را وادار می‌کند تا بدون ساده‌سازی بیش از حد موضوع کتاب، آنرا به صورت مختصر و مفید دریاورند. بی‌گمان، تلخیص مفاهیم بنیادی فلسفه حقوق، کار بلندپروازانه‌ای است و البته امیدوارم که خیال پرداززی قلمداد نشود. هدف از این کتاب کم حجم آن است که یک راهنمای به روز و قابل دسترس در مورد مسائل اصلی فلسفه حقوق درباره مفهوم کاملاً قرآر حقوق و ارتباط آن با مسائل جهانی عدالت، حق‌ها و اخلاق در اختیار یک خواننده معمولی قرار دهد.

من به استفان گِست،<sup>۱</sup> استاد فلسفه حقوق در کالج دانشگاه لندن که نسخه دست‌نویس کامل کتاب را خواند و نظرات و پیشنهادهای مفید و متعددی داد، کاملاً مدیونم. البته نباید وی را شریک اشتباهاتی دانست که من در این صفحات مرتکب شده‌ام. مثل همیشه، کار کردن با کارکنان انتشارات دانشگاه آکسفورد، لذت بخش بود. به ویژه از مارشا فیلیون،<sup>۲</sup> جیمز تامسون<sup>۳</sup> و دבורا پوته‌رو<sup>۴</sup> و جین روبسون<sup>۵</sup> سپاسگزاری می‌کنم.

من به خاطر محبت‌ها، تشویق‌ها و حمایت‌های همسرم پنلوپه، مدیون او هستم که فرمان او برایم در حکم قانون است.

1. Stephen Guest

2. Marsha Filion

3. James Thompson

4. Deborah Protheroe

5. Jane Robson

# فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱

## فصل اول: حقوق طبیعی ..... ۷

حقوق طبیعی: هابز، لاک و روسو ..... ۱۳  
هابز ..... ۱۳  
لاک ..... ۱۵  
روسو ..... ۱۷  
افول و احیای مکتب حقوق طبیعی ..... ۱۷  
لون فولر: نظریه اخلاق درونی حقوق ..... ۱۹  
نظریه حقوق طبیعی معاصر: جان فینیس ..... ۲۱

## فصل دوم: اثبات گرایی حقوقی ..... ۲۷

حقوق به مثابه دستور: بنتام و اوستین ..... ۲۹  
حقوق به مثابه قواعد اجتماعی: هارت ..... ۳۶  
حقوق به مثابه هنجارها: هانس کلسن ..... ۴۲  
حقوق به مثابه یک واقعیت اجتماعی: ژوزف رز ..... ۴۷

## فصل سوم: حقوق به مثابه تفسیر ..... ۵۳

دعاوی دشوار ..... ۵۵  
اصول و سیاست‌ها ..... ۵۹  
لیبرالیسم ..... ۶۲  
حقوق به مثابه یک مجموعه منسجم ..... ۶۴

## فصل چهارم: حق‌ها و عدالت ..... ۶۷

هوفلد ..... ۶۹



|     |                               |
|-----|-------------------------------|
| ۷۲  | نظریه حق‌ها                   |
| ۷۴  | عدالت                         |
| ۷۶  | فایده‌گرایی                   |
| ۸۱  | تحلیل اقتصادی حقوق            |
| ۸۶  | عدالت به مثابه انصاف          |
| ۹۳  | فصل پنجم: حقوق و جامعه        |
| ۹۵  | امیل دورکیم                   |
| ۹۶  | ماکس وبر                      |
| ۱۰۰ | کارل مارکس                    |
| ۱۰۸ | یورگن هابرماس                 |
| ۱۰۹ | میشل فوکو                     |
| ۱۱۳ | فصل ششم: مطالعات انتقادی حقوق |
| ۱۱۵ | مطالعات انتقادی حقوق          |
| ۱۲۱ | نظریه حقوقی پسامدرن           |
| ۱۲۳ | ژاک لاکان                     |
| ۱۲۴ | ژاک دریدا                     |
| ۱۲۶ | نظریه حقوقی فمینیستی          |
| ۱۲۷ | فمینیسم لیبرال                |
| ۱۲۸ | فمینیسم رادیکال               |
| ۱۳۰ | فمینیسم پسامدرن               |
| ۱۳۱ | فمینیسم تفاوت                 |
| ۱۳۳ | نظریه انتقادی نژادی           |
| ۱۳۵ | ارجاعات                       |
| ۱۳۹ | منابع پیشنهادی                |
| ۱۴۵ | نمایه                         |

حقوق همواره خبرساز است و به مناقشه‌های نظری زیادی دامن می‌زند. درحالی‌که حقوق‌دانان و سیاستمداران از مزایای حاکمیت قانون سخن می‌رانند، اصلاح طلبان از کاستی‌های آن می‌نالند و منتقدان بدبین، ادعای مساوی بودن حقوق با عدالت را زیر سؤال می‌برند. با این حال، جملگی، حقوق را موتور محرک تغییرات اجتماعی می‌دانند. کم هستند کسانی که نسبت به نقش محوری حقوق در حیات اقتصادی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی تردید داشته باشند.

اما منظور از حقوق چیست؟ آیا حقوق، دسته‌ای از اصول اخلاقی جهانشمول منطبق با طبیعت است (فصل اول) یا اینکه صرفاً مجموعه‌ای از هنجارها، دستورات یا قواعد معتبری است که عمدتاً ساخته دست بشر است (فصل دوم)؟ آیا حقوق هدف خاصی همچون حمایت از حقوق فردی (فصل سوم)، نیل به عدالت (فصل چهارم) یا نیل به برابری جنسیتی، سیاسی و اقتصادی (فصل ششم) را دنبال می‌کند؟ آیا می‌توان حقوق را از بستر اجتماعی آن جدا کرد (فصل پنجم)؟

اینها تنها برخی از پرسش‌هایی هستند که باید از سوی اشخاصی که درصددند تا مفهوم و کارکرد حقوق را بشناسند، پاسخ داده شوند. این پرسش‌ها چشم انداز گسترده فلسفه حقوق را فراگرفته‌اند. ترسیم این قلمرو وسیع، کار بسیار سختی است. من در این چند صفحه شاید بتوانم تنها به عناصر برجسته فلسفه حقوق اشاره کنم. از این رو، توجه خود را به بررسی نظریه‌های اصلی حقوق متمرکز کرده‌ام. زیرا این نظریات، چه برای فلسفه حقوق سنتی و چه برای فلسفه حقوق معاصر، مدخل مناسبی هستند.

این رویکرد به هیچوجه در پی بی ارزش جلوه دادن سایر روش‌هایی نیست که می‌خواهند خیل عظیم مسائل توصیفی و مفهومی فلسفه حقوق را روشن سازند. فصل چهارم این کتاب به دو مسئله از بارزترین و مشکلترین مسائل مذکور اختصاص یافته است:

حق‌ها و عدالت. برخی دیگر از موضوعات غامضی که حقوق‌دانان با آنها مواجه هستند عبارتند از دکترین سابقه قضایی<sup>۱</sup> (که بر اساس آن دادگاه‌ها مجبورند از احکام دادگاه‌های بالاتر از خود تبعیت کنند)، وجود یا نبود تکلیف اخلاقی برای رعایت قوانین، مفهوم شخصیت حقوقی،<sup>۲</sup> پیچیدگی‌های مسأله سببیت و مسئولیت و نظریه‌های مختلف درباره مجازات. همه اینها در قلمرو وسیع فلسفه حقوق جایگاهی برای خود دارند. با وجود این، هر چند برخی از آنها در این کتاب به طور غیرمستقیم مورد توجه واقع شده‌اند، ولی مطالعه آنها مورد نظر نبوده است.

هر چند این کتاب درصدد است «فلسفه حقوق» را به طور مختصر و مفید معرفی کند اما گاه از عبارت‌های «نظریه حقوقی»،<sup>۳</sup> «فلسفه حقوقی»<sup>۴</sup> و «حقوق شناسی»<sup>۵</sup> به جای اصطلاح «فلسفه حقوق» استفاده شده است و مرز خاصی بین آنها ترسیم نشده است. به بیان دقیق تر، «حقوق شناسی» به دنبال تحلیل نظری حقوق در انتزاعی‌ترین سطح ممکن است (مطالعه مسائل مربوط به ماهیت حق و تکلیف، استدلال قضایی و غیره که به دفعات می‌توان در رشته‌های اصلی حقوق با آنها برخورد کرد). عبارت «نظریه حقوقی» نیز غالباً برای پژوهش‌های نظری در خصوص حقوق «بدانگونه که هست» به کار می‌رود ولی دامنه این تحقیقات فراتر از مرزهایی است که حقوق‌دانان حرفه‌ای برای حقوق قائلند (مانند مطالعه رویکرد مارکسیست‌ها نسبت به سلطه<sup>۶</sup> حقوقی). «فلسفه حقوق» آنچنانکه از نامش پیداست، از جایگاه دانش فلسفه به مطالعه می‌پردازد (برای مثال، مطالعه مسائلی مانند مفهوم آزادی و اقتدار که فلاسفه سیاسی را نیز به خود مشغول کرده اند). ولی نویسندگان معاصر، توجه کمی به این تفاوت‌های ظریف نشان می‌دهند؛ حوزه فلسفه حقوق مدرن، حصارهای اندکی دارد.

1. Precedent

2. Legal personality

3. Legal theory

4. Legal philosophy

5. Jurisprudence

6. Legal domination

نظریه حقوقی تفاوت زیادی با بازنمایی و نمایش حقوق در رسانه ها<sup>۱</sup> دارد. با وجود این، حتی محاکمات جنایی احساس برانگیز- واقعی یا ساختگی- که خوراک معمول برنامه‌های تلویزیونی می‌شوند، مشخصه‌هایی از حقوق را در خود دارند که نوعاً فلاسفه حقوقی را به تأمل وادار می‌کنند. این محاکمات به طرح پرسش‌های غامضی درباره مسئولیت اخلاقی و حقوقی، توجیه مجازات، مفهوم خسارت، کارکرد قضا، رعایت کامل آیین رسیدگی<sup>۲</sup> و مسائل متعدد دیگر، منجر می‌شوند. از این رو، می‌توان گفت که مطالعه فلسفی حقوق، کمتر جنبه انتزاعی و غیرواقعی دارد.

هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان بدون داشتن شناختی منسجم از حقوق و نظریه حقوقی آن، شناخت یا توصیف کرد. اهمیت مبانی فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی حقوق و نظریه‌هایی که این مبانی را شکل داده یا توجیه می‌کنند، کمتر از نص قواعد حقوقی<sup>۳</sup> نیست. تعریف خود حقوق، یکی از موضوعاتی است که در قلمرو وسیع نظریه حقوقی قرار دارد. بدیهی است، پیش از آغاز بحث درباره چیستی حقوق، باید بدانیم که از این مفهوم اغلب گنگ و مبهم، چه چیزی مد نظر است. به سختی می‌توان بدون داشتن فهم مشترک از موضوع، تحلیل خود را از حقوق و نظام حقوقی آغاز کرد. در این راستا، یک گام اساسی این است که بین نظریه حقوقی توصیفی و نظریه حقوقی هنجاری تمایز قائل شویم.

نظریه حقوقی توصیفی به دنبال شرح چیستی، چرایی و پیامدهای حقوق است. اما نظریه‌های هنجاری حقوق به اینکه حقوق چه باید باشد، می‌پردازند. به دیگر سخن، نظریه‌های توصیفی به واقعیت و آنچه هست، می‌پردازند و نظریه‌های هنجاری به ارزش و آنچه باید باشد. سه نوع عمده از نظریات توصیفی وجود دارد: نوع اول، رویکرد «آموزه‌ای»<sup>۴</sup> است که برای ایضاح یک دکترین حقوقی خاص، به نظریه پردازی روی می‌آورد. برای مثال، آزادی بیان را می‌توان با استفاده از آرای که دادگاه‌ها در خصوص محدودیت‌های این آزادی

1. Legal theatre

2. Due process

3. Law's Black Letter

4. Doctrinal

صادر کرده‌اند، توجیه کرد. نظریه حقوقی آموزه‌ای درصدد پاسخ دادن به چنین پرسش‌هایی است: «آیا می‌توان این دعاوی (آزادی بیان) را با نظریه پردازی روشن کرد؟» ثانیاً نظریه توصیفی می‌تواند «تبیینی» باشد یعنی به دنبال این مطلب باشد که چرا حقوق، چنین است. برای مثال، نظریه حقوقی مارکسیستی بدین معنا «تبیینی» است، زیرا می‌خواهد حقوق را به عنوان چیزی که منافع طبقه حاکم را بیان می‌کند، معرفی کند (فصل پنجم). نوع سوم از نظریه‌های توصیفی به دنبال بیان پیامدهایی است که دسته خاصی از قواعد حقوقی می‌توانند در پی داشته باشند. برای مثال، تحلیل اقتصادی حقوق (فصل چهارم) می‌تواند هزینه‌های احتمالی تحمیل نظام مسئولیت بدون تقصیر بر سازندگان وسائل نقلیه موتوری را پیش بینی کند.

از طرف دیگر، نظریه‌های حقوقی هنجاری با مسأله ارزش‌ها مرتبط هستند. برای مثال، نظریه هنجاری به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال است که آیا برای حمایت از مصرف کنندگان باید مسئولیت بدون تقصیر سازندگان وسائل نقلیه موتوری پذیرفته شود؟ آیا انجام چنین کاری منصفانه یا عادلانه خواهد بود؟ بنابراین، نظریه‌های هنجاری ضرورتاً با نظریه‌های سیاسی و یا اخلاقی ارتباط دارند. نظریه‌های هنجاری، در مقام ارزیابی یک قانون، ممکن است «آرمانی»<sup>۱</sup> باشند یا «غیرآرمانی»<sup>۲</sup>. اولی، به این مسأله می‌پردازد که با فرض اینکه از نظر سیاسی، ایجاد بهترین نظام حقوقی، ممکن باشد، کدام قواعد حقوقی می‌توانند چنین نظامی را ایجاد کنند. دومی، انواع محدودیت‌هایی را که بر انتخاب قواعد حقوقی تأثیر دارند، نظیر دشوار بودن اجرای قواعد، مورد توجه قرار می‌دهد.

با این حال، تقسیم بندی روشنی بین این دو مقوله از فلسفه حقوق وجود ندارد. ممکن است نظریه هنجاری برای به دست آوردن یک تکیه گاه، بر نظریه توصیفی تکیه کند. بدینسان، سخت است که به نظریه هنجاری فایده‌گرایی<sup>۳</sup> (فصل چهارم) معتقد باشیم بدون آنکه شرحی از پیامدهای اجرای قاعده مورد نظر، در اختیار داشته باشیم. شخص فایده‌گرا

1. Ideal

2. Non-ideal

3. Utilitarianism

بدون آنکه اطلاعی از انواع نتایج محتمل داشته باشد، چگونه می‌تواند بداند که آیا فلان قاعده، بهترین نتیجه را داشته است یا نه. به همین ترتیب، یک نظریه توصیفی ممکن است بر اساس پیش بینی‌هایی خود از احتمال موفقیت مثلاً اصلاحات حقوقی، در آن نظریهٔ هنجاری که منشأ این اصلاحات بوده است، شبهه ایجاد کند.

همچنین نشان خواهیم داد (فصل سوم) که نظریه هنجاری و توصیفی چگونه با هم پیوند می‌یابند تا نوعی فلسفه حقوق مختلط ایجاد کنند. برای مثال، در نظریه رونالد دورکین با عنوان «حقوق به مثابه یک مجموعه منسجم»<sup>۱</sup>، بین اهداف نظریه توصیفی آموزه‌ای و نظریه هنجاری، جمع شده است. همچنین به نظر می‌رسد که نظریه دیگر دورکین با عنوان «حقوق به مثابه تفسیری» با این ادعا که نظریه حقوق باید با مسائل حقوقی «مناسبت» داشته و آنها را «توجیه» کند، امتزاج نظریهٔ توصیفی آموزه‌ای با نظریه هنجاری را مجاز می‌داند.

ما در یک جهان ناآرام و عاری از عدالت زندگی می‌کنیم. شاید همواره بر همین منوال بوده است. با وجود شرارت و بی‌عدالتی، لغزیدن در ورطه ساده‌انگاری و لفاظی به هنگام بحث درباره ماهیت و کارکرد صحیح حقوق، دور از انتظار نیست. از این رو، ایضاح تحلیلی و تفلسف حقوقی و سواسانه درباره ماهیت بنیادی حقوق، عدالت و معانی مفاهیم حقوقی، ضروری است. نظریه حقوقی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعریف و دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌هایی دارد که به شیوه زندگی ما تداوم می‌بخشند.